

روزنامه های تهران محاکمهٔ عبدالله نوری که منجر به زندان رفتن وی شد را از چند دیدگاه مختلف بررسی کرده اند. به طور مثال در صبح امروز (۷ آذر ۷۸) آمده است: آیت الله طاهری: "نوری نام خودش را در تاریخ جاودانه کرد." عمادالدین باقی: "هراس از تصدی کرسی ریاست مجلس" جناح تمامیت خواه را به چنین عکس العملی کشاند. شمس الواعظین: "یکصد سال است که مردم ایران در راه آزادی مطبوعات تلاش و مبارزه می کنند. ۸ سال محکومیت آقای نوری و بنده هم احتمالاً به آن صد سال اضافه خواهد شد." حمید حسامی: دلیل در ضعف جناح خرداد در برخورد با جناح تمامیت خواه دانسته و معتقد است که می بایستی "عکس العمل های قاطعانه-افشاگرانه و مناسبی اتخاذ" می گردید. ولی دیدگاه حمید حدیثی (عصر آزادگان اول آذر ۷۸) هم قابل تامل است. وی بر این واقعیت انگشت می گذارد که "انشعاب جامعه روحانیت مبارز در آخرین سال های دهه ۶۰ یک حرکت هوشمندانه و تاریخی در جهت استمرار هژمونی روحانیان بر کل اندام انقلاب و تأییدی بر این نظریه بود که رهبری بالفعل این قشر مردمی اگر دچار بحران مشروعیت و مقبولیت شود و راهکار های سنتی آن بر مشکلات بیفزاید و بن بست های فکری سیاسی-اجتماعی را افزون کند، جایگزینی بالقوه درون همان کاست، اما معترض و منتقد باشد تا خلا جایگزینی را پر کند و با شیوه های جدیدتر و روش های کارآمد، متناسب با نیاز های یک جامعه در حال توسعه از منظر همان فقه سنتی و رفو شده با اجتهادی در فروع و روبناهای آن، کشتی در گل مانده انقلاب عظیم ۵۷ را به حرکت در آورد." وی ادامه می دهد که خاتمی "آخرین تیر ترکش این طبقه تاریخی-سنتی و مردمی بود که پیش بینی هوشمندانه امام در تأیید انشعاب را تحقق بخشید و قایق نجاتی شد در طوفان حوادث این مرز و بوم." که در این صورت باید پرسید: آیا انتخابات دوم خرداد یک طرح عوام فریبانه بوده است؟ آیا بایستی با دیدی شکاکانه پرسید: نوری ها، خوینی ها، و تمامی آنها بی که تا چندی پیش از عناصر فعال این حکومت بوده اند، به یکباره آزادخواه شده اند، و یا آن که تمامی این گرد و خاک ها برای آن است که جلوی چشم ها گرفته شده تا کسی نداند که نوری ها در اصل سکان داران کشتی به گل نشسته ای هستند که مردم به ماهیت آن پی برده و دیگر خواهان آن نیستند؟ آیا کرباسچی و امثالهم برای ۵۰ سال دیگر ترشی انداخته شده اند، تا در آن زمان به عنوان انقلابیون زندان رفته، پرچم دار انقلاب مردمی شده، تا نگذارند که مردم به خواسته های واقعی خود به رسند؟ اگر این تئوری درست باشد، پس بایستی به پذیریم که تبعید خمینی در اوایل سال های ۴۰، و به تدریج سپردن سکان کشتی به دست وی، نیز طرحی استراتژیک برای به شکست رساندن هر قیام مردمی بالقوه (مانند سال ۵۷) بوده است.